

قاچاق کالا و تاثیر آن بر امنیت اقتصادی کشور

سرهنگ ۲ علیرضا وطن‌پور کارشناس ارشد علوم سیاسی

تاریخ دریافت: ۸۷/۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۸۷/۵/۲۹

چکیده

امنیت از ابتدا تاکنون جزو اساسی ترین نیازهای حیات اجتماعی بشر بوده است. کسب و حفظ امنیت ملی از وظایف اصلی حکومت‌ها و مهم ترین اولویت در سیاست داخلی و خارجی دولت‌هاست. امروزه قلمرو مفهومی امنیت ملی و به تبع آن دامنه تهدیدهای ملی و فراملی گسترش یافته است. تأمین امنیت در ابعاد متنوع سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در گرو توجه به همه انواع خطر‌ها در عرصه‌های داخلی و خارجی است.

یکی از این تهدیدها در کشور ما، که تمام این ابعاد به‌ویژه بعد اقتصادی آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد، قاچاق کالا است. هر چند بسیاری از تلاش‌های مطالعاتی داخلی، متمرکز بر تجزیه و تحلیل آثار رفاهی و اقتصادی کوتاه مدت قاچاق بوده، اما به پیامدهای بلندمدت آن و رابطه مستقیم با امنیت اقتصادی کمتر توجه شده است.

در این مقاله - که به روش توصیفی، تحلیلی تهیه شده - سعی بر آن بوده تا ضمن جهت‌گیری در رفع این نقیصه، برخی از آثار و عوارض منفی آن بر امنیت اقتصادی کشور یا به عبارت دیگر تاثیرات اقتصادی آن با هدف کمک به سیاست‌گذاری‌های مرتبط با امر مبارزه با قاچاق مورد

کاوش و بررسی قرارگیرد. از آنجا که یکی از الزامات سند چشم انداز ۲۰ ساله اقتصادی تقویت تولید است، مشخص می شود که: در راه اجرای راهبرد توسعه اقتصادی، تهدیدهای اقتصادی به طور اعم- که شکننده تر از هر زمان دیگر است- و قاچاق کالا به طور اخص، می تواند به عنوان یک تهدید تمام عیار اقتصادی، نظام حاکم را از دستیابی به این اهداف باز داشته یا با مشکل مواجه کنند و در نهایت قدرت اقتصادی را به عنوان یکی از مولفه های اثرگذار بر امنیت ملی به ضعف بکشانند.

کلید واژه ها:

اقتصاد / Economic، قاچاق کالا / Good Smuggling، امنیت اقتصادی / security

Economic

مقدمه

اگرچه منظور این مقاله، برشمردن آثار قاچاق کالا بر اقتصاد یا امنیت اقتصادی است- که وجه غالب عوارض آن را شامل می شود- اما باید توجه داشت که ضعف های ساختاری در اقتصاد کشور، شاخص های اقتصادی را قبل از هر چیز تحت تأثیر قرار می دهد و احتمالاً پیامدهای نامطلوب تری از قاچاق به عنوان یک مشکل تبعی بر پیکر اقتصاد تحمیل می کند، در عین حال این واقعیت را نمی توان نادیده گرفت که آثار تخریبی قاچاق در وهله اول متوجه صناعی است که آنها را به رقابت در بازار داخل فرا می خواند و رفته رفته به رکود می کشاند. از این رو با تنوع و حجم چشمگیر این کالاها در کشور، وزن و سهم آنها در اقتصاد، غیر قابل انکار است، گمرک، وزارت بازرگانی، نیروی انتظامی و ستاد مبارزه با قاچاق کالا برآوردهای متفاوتی ارائه می دهند. آخرین برآورد ستاد مبارزه با قاچاق کالا نشان دهنده ورود حداقل شش میلیارد دلار کالای قاچاق در سال به کشور است.

«قاچاق کالا» تا سال های نه چندان دور به شکل کنونی و به عنوان یک مسأله «امنیتی» مطرح نبود، اما تدریجاً، با افزایش روزافزون آن و تسری به انواع کالاها و نیز تغییرات حاصل در سیاست های تجاری و اقتصادی دولت، رفته رفته به یک تهدید مبدل شد.

کارگاه

۷۰

دوره دوم
تابستان ۸۷
شماره ۳

قاچاق نیز مانند همه جرایم دیگر برخاسته از عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که پرداختن به آنها هدف این مقاله نیست، اما به طور کلی رواج قاچاق و روند رو به رشد آن، در نتیجه نارسایی‌های گوناگون به ویژه در حوزه اقتصاد بوده و از سرچشمه‌های آن است، در واقع "اقتصاد" و "قاچاق" بریکدیگر آثار متقابلی دارند. طی سال‌های گذشته مسأله قاچاق در ایران بر سیستم تهیه و توزیع کالا سایه انداخته و تقاضای داخلی ناشی از کمبود یا مطلوب نبودن تولیدات داخل و منفعت بالای قاچاق از یک سو و ناکارآمدی اقتصاد دولتی از طرف دیگر در کنار سایر عوامل به روند رو به رشد قاچاق دامن زده است. عوامل متعددی بر پیدایش و گسترش قاچاق - که زاینده اقتصاد غیررسمی^۱ است - اثر دارد یا به گونه‌ای آن را تسهیل می‌کند. اوضاع سیاسی - امنیتی همسایگان، سودآوری قاچاق، طولانی بودن تشریفات و هزینه بالای واردات کالا، رشد سریع تجارت جهانی و تحولات تکنولوژیک، عدم نظارت کافی بر برخی از مناطق آزاد، سهل الوصول بودن دستیابی به منابع قاچاق، بیکاری و فقر در مناطق مرزی، قاچاق در پوشش ترانزیت، کالای همراه مسافر، وضع اقتصادی و تجاری همسایگان، نظام ارزی ناکارآمد داخلی، وجود انحصارها و فضای رانتی، اتخاذ استراتژی توسعه صادرات در کشورهای در حال توسعه، ورود موقت کالا، تبلیغات، فرهنگ مصرف، سنت قاچاق، تردد مرزنشینان و... از دیگر عوامل شکل‌گیری و گسترش قاچاق به حساب می‌آید.

بررسی و برشمردن مهم‌ترین تهدیدها از این ناحیه علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران در بعد اقتصادی آن یا به عبارت دیگر نحوه اثرگذاری قاچاق کالا به عنوان «متغیر مستقل» بر حوزه اقتصادی به عنوان «متغیر وابسته» در کانون توجه مقاله حاضر قرار گرفته است. در این زمینه، نگارنده علیرغم محدودیت‌های موجود تلاش کرده است با روش توصیفی، تحلیلی به تبیین این رابطه بپردازد، با این امید و هدف اساسی که در سایه شناخت و معرفی این موضوع، بتوان دانش نظری را نسبت به آن گسترش داد، تصمیم‌گیران را در یافتن راهکارهای مؤثر بر

۱. مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی که در تولید ناخالص ملی (ارزش کالاها و خدمات تولید شده در کشور) منظور نمی‌شود. تفاوت قیمت در دوسوی مرزها، محدودیت دسترسی به کالای مورد نیاز و مالیات بالا از عوامل مشترک گرایش به «قاچاق» در کشورهاست.

محورهای پیشگیری و مقابله یاری کرد و در حد وسع زمینه کاهش آن را به نوعی فراهم آورد، همچنین توجه محققان را به ادامه تحقیق در این باره جلب و حتی الامکان برای سیاست گذاران و مجریان در شناخت بهتر مسأله تصویری واضح تر ارائه کرد. پس در ادامه، بنا داریم تأثیر قاچاق کالا بر برخی از مؤلفه‌ها و متغیرهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را به ترتیب زیر مرور کنیم.

۱) اخلال در سیاست‌های اقتصادی

مکتب «سوداگران» نخستین بار به مباحث نظری و تجربی قاچاق کالا پرداخته است. این مکتب که از قرن شانزدهم تا اواسط قرن هیجدهم در اروپا رواج یافت، بهترین راه ثروتمند شدن یک کشور را صدور کالا، بیش از ورود آن می‌دانست. در این راه بود که گمرکات به حمایت از تولیدات داخلی شتافت و کنترل دولت بر تجارت با تحدید واردات و تشویق صادرات افزایش پیدا کرد. (سالواتوره، ۱۳۷۴: ۲۱)

«طبیعیون» برخلاف سوداگران مداخله دولت در اقتصاد را مردود دانستند و منبع ثروت را در کشاورزی و طبیعت جستجو کردند. آنها بر آزادی در فعالیت‌های اقتصادی داخلی و خارجی و حذف گمرک و قوانین دست و پاگیر تجاری تأکید داشتند. بالاخره «کلاسیک‌ها» هم مالیات غیرسنجیده را سبب گرایش به قاچاق دانسته و تجارت آزاد را به معنی تقسیم تولید و کار بین المللی و مفید به حال اقتصاد کشورها تلقی می‌کردند. این مکتب، اول بار توانست با ارائه قوانینی کارآمد، تولید و تجارت را رشد دهد و صدور کالایی را تجویز کند که متناسب با توان و تخصص کشور باشد و توصیه به ورود کالایی کند که کارایی تولید آن در داخل کمتر بود. نظریه «مزیت مطلق» کلاسیک‌ها بعدها توسط ریکاردو^۱ کامل شد و به نظریه «تجارت آزاد مبتنی بر اصل مزیت نسبی» تبدیل شد. این نظریه متضمن دو فایده بود، اول اینکه تجارت، فراهم کننده امکان استفاده از کالاهای خارج از توان تولید داخل است و دوم آنکه با تخصصی تر شدن تولید و تجارت کشورها، تولید و اشتغال جهانی هم بهتر خواهد

1. Ricardo

شد. (رازینی، ۱۳۷۸: ۲۲-۲۰)

از زمان بنیانگذاری مکتب کلاسیک آدام اسمیت تاکنون، تأکید اقتصاد دانان به پیروی از وی همواره بر عدم دخالت دولت در تجارت بوده است. زیرا این کار را موجب اختلال در مکانیسم قیمت‌ها و رشد صنایع رقابتی می‌دانند. با الهام از مکاتب فوق، ضد اقتصادی بودن ماهیت قاچاق، مفروض و نقطه توافق همه رهیافت‌ها تصور می‌شود. قوت این رهیافت‌ها هم از این وجه اشتراک مایه می‌گیرد.

سیاست‌های اقتصادی دولت به مجموعه اقدام‌ها و روش‌های عملی^۱ اطلاق می‌شود که دولت برای دست یابی به اهداف تأثیرگذار بر متغیرهای اقتصادی انجام می‌دهد؛ قاچاق کالا در اجرای این سیاست‌ها اختلال ایجاد می‌کند و رقابت را برای صنایع داخلی سخت کرده و حتی آنان را بی رونق می‌سازد.

چون در قاچاق کالا برخلاف تجارت رسمی، ابتدا نوع کالا و قیمت و میزان آن مشخص نیست بنابراین برنامه‌ریزی‌های تولیدی و سیاست‌های تجاری^۲ دولت و بخش خصوصی همواره با ریسک همراه است. لذا تولیدکننده با توجه به این ریسک یا در فرایند تولید شرکت نمی‌کند یا در صورت ورود آگاهانه، نرخ بازگشت سرمایه بالاتری را در زمان کوتاه‌تر طلب می‌کند. دولت هم در برنامه‌ریزی تولیدی با همین مشکل روبروست. در این حالت قاچاق کالا با توجه به اثراتی همچون بی ثباتی اقتصادی و اختلال در برنامه‌ریزیهای اقتصادی و سیستم توزیع باعث لوٹ شدن نظارت دولت و آسیب‌پذیری اقتصادی کشور خواهد شد.

قاچاق وارداتی مانع از کنترل بهینه دولت بر مجموع هزینه‌های وارداتی و اختصاص ارز موجود به واردات کالاهای ضروری و سرمایه‌ای می‌شود که نقش بیشتری در رشد تولید ناخالص داخلی^۳ و رونق اقتصادی دارد. قاچاق با ایجاد تحریف در تولید ناخالص ملی، توان دولت را در اتخاذ روش‌های صحیح اقتصادی برای رسیدن به اهداف موردنظر کاهش

۱. این اقدام‌ها می‌تواند در برخی کشورها اهداف مستقل اقتصادی و در برخی دیگر متغیر اقتصادی باشد.

۲. مقررات و ضوابطی است که دولت بر تجارت خود حاکم می‌کند. مانند تعرفه گمرکی، سهمیه بندی، تحریم تجاری، کنترل ارز و محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای.

۳. ارزش کالاها و خدمات تولیدی در یک کشور به قیمت جاری و در یک دوره معین.

می‌دهد، یا این اهداف و سیاست‌ها را کم اثر یا بی اثر کرده و آن‌ها را از کارکرد مورد انتظار می‌اندازد. (نهایندیان، ۱۳۷۷: ۳۵)

قاچاق در مقیاس وسیع می‌تواند بهینه‌سازی نظام تولید، توزیع و مصرف را به شکست بکشاند و سازوکارهای مالی و پولی نظام اقتصادی را ناکارآمد و دامنه آن را به سیاست‌های بازرگانی و موازنه تجاری توسعه دهد. همچنین ورود کالاهای غیر ضروری و غیر مؤثر بر فشرده‌گی رقابت صنایع ملی در بازار داخلی اثر منفی دارد. (مقدسی، ۱۳۸۰: ۱۲۱-۱۲۰)

پیامد دیگر قاچاق در اقتصاد، افزایش نرخ ارز در بازار آزاد به علت افزایش تقاضای آن برای واردات غیرقانونی کالا است. بخش مهمی از توازن ارزش ریال در برابر ارز در بازار غیررسمی وابسته به قاچاق است، بازرگانی غیرقانونی به پول رسمی کشور فشار آورده و اثرات تورمی به دنبال دارد. (معاونت طرح و برنامه گمرک، ۱۳۸۱: ۴۸)

بنابراین دولت برای دستیابی به اهداف اقتصادی خود سیاست‌هایی در تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده از منابع غیرنفتی، احیای ساختار اقتصاد ملی، برآوردن نیازهای رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد آینده‌ای روشن و مطمئن برای تولیدکننده، تنظیم ورود و خروج کالا، حفظ پول و ثبات قیمت‌ها تدوین می‌کند اما قاچاق کالا همه این برنامه‌ریزی‌ها را مخدوش می‌سازد و مانع نتیجه‌گیری مطلوب از آنها می‌شود.

۲. کمک به افزایش فقر

فقر عبارت است از ناتوانی در فراهم آوردن نیازهای بنیادی برای رسیدن به یک زندگی آبرومندانه و شایسته انسان (داداش زاده، ۱۳۶۹: ۱۶)

فقر می‌تواند هم علت و هم معلول قاچاق باشد، این اثر ثانویه بلافاصله پس از شکست تولید و کاهش اشتغال و درآمد عارض می‌شود. یعنی با افزایش قاچاق کالا، فقر در جامعه از آنچه وجود دارد بیشتر می‌شود. زیرا قاچاق سرمایه‌گذاری مولد را از هدف اصلی خود منحرف کرده، تولیدات و درآمد ملی را کاهش می‌دهد و به مرور فقر را عارض می‌کند.

(مقدسی: ۱۱۹)

فقر و ناامنی‌های اجتماعی از دیرباز با شرایط اقتصادی رابطه مستقیمی داشته است؛ در مطالعات جرم‌شناسی، فقر از شاخص‌های مهم بحران اقتصادی^۱ است که با گذشت زمان برای نظم اقتصادی و اجتماعی یک کشور خطر آفرین است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۳۲۵)

قاچاق کالا شرایط توزیع درآمدها و ثروت‌های اجتماعی را به هم می‌ریزد و مقدورات اقتصادی دولت را که می‌تواند از طریق هزینه‌های عمومی و اعطای یارانه و دیگر حمایت‌های اجتماعی به طبقه محروم کمک کند، کاهش می‌دهد.^۲ رسیدن طبقه قاچاقچی به ثروت‌های هنگفت، روند فقیرتر شدن طبقات پایین جامعه را سرعت می‌بخشد؛ چرا که با افزایش تقاضا و فشارهای تورمی، سطح رفاه اجتماعی پایین آمده، طبقات فقیر در تنگناهای بیشتری قرار می‌گیرند و فاصله آنها با طبقات غنی بیشتر می‌شود. در کشور ما که میزان بالاترین درآمدهای جامعه به چند برابر پایین‌ترین آنها می‌رسد نباید از قاچاق کالا که در تداوم این نابرابری بی‌تأثیر نیست به سادگی گذشت؛ (مجموعه مقالات همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۲: ۱۰۱)

اگر درآمدهای سرانه به طور غیرعادلانه توزیع شود، این عدم تعادل در توزیع درآمد نشان‌دهنده بافت‌های غیرمتجانس و تنیده در کالبد اقتصاد کشور است و اقتصاد گسترده غیررسمی و معاملات ملی قاچاق از مهم‌ترین دلایل ظهور و تشدید فقر موجود ارزیابی می‌شود. (پورزند، ۱۳۸۳)

۳. تسهیل انحصار و رانت خواری^۳

در جدول ماتریسی مؤسسه چشم انداز اقتصادهای بین‌المللی با عنوان «فساد در اقتصاد جهان» متأسفانه کشور ما جایگاه مطلوبی ندارد. (خانی، ۱۳۸۴: ۱۴۶)

۱. تغییر سطح و ساختار درآمدها و افزایش بیکاری و آسیب‌پذیری مشاغل.

۲. کمک دولتی برای پایین نگه داشتن قیمت مایحتاج عمومی یا سبک کردن هزینه‌ها یا افزایش تولید به صورت بلاعوض.

۳. تلاش برای کسب منفعت با استفاده از قدرت انحصار در تولید یا توزیع کالا یا خدمات.

انحصار و رانت خواری از مصادیق بارز فساد اقتصادی است. به لحاظ تئوری، اعمال هر نوع محدودیت برای واردات آزاد کالای خارجی به بهانه حمایت از صنایع داخلی یا اعطای مجوز واردات آن‌ها به صورت گزینشی بستر مناسبی برای رانت جویی است. هر چند به عقیده برخی کارشناسان در این شرایط، هدف، ایجاد رانت نیست؛ زیرا در مراحل اولیه صنعتی شدن حمایت از تولید داخلی ضروری است. اگر سهمیه واردات وجود داشته باشد و دولت، مجوزها را با قیمت مناسب بفروشد، ایجاد رانت دشوارتر می‌شود. رانت ایجاد محدودیت بر روی کالاهای وارداتی در قالب وضع تعرفه^۱ و دادن جواز واردات کالاهای خارجی به افراد خاص از جانب دولت یکی از ویژگی‌های بارز اقتصاد ایران بوده است. این رویکرد منفعت طلبانه به هر علتی که دنبال شود، هزینه‌هایی برای جامعه در بر دارد و موجب به هم خوردن تخصیص منابع کمیاب^۲، ناکارآمد کردن اقتصاد ملی و سلب اعتماد عمومی به کارگزاران اقتصادی خواهد شد. در اقتصاد رانتهی، ثروت و درآمد ناشی از تلاش و کوشش فردی و اجتماعی نیست بلکه گاه تصادفی، انحصاری، زاینده فساد مالی و زدوبندهای پنهان است. (خضری، ۱۳۸۱: ۵۹-۵۸)

بسته بودن و رانتهی بودن سیستم اقتصادی کشور سبب شکل‌گیری انحصارات مختلف و ایجاد مسیرهای گوناگون واردات غیر رسمی شده است؛ یکی از این مسیرها، انحصار اخذ مجوز واردات کالا است که به «شبه قاچاق» تعبیر می‌شود. انحصار آشکار و پنهان در واردات کالا از بزرگترین معضلات تجارت خارجی بوده و نتیجه تصمیمات مقطعی ناشی از مشکلات ارزی است که به ضرر مصرف‌کنندگان است زیرا آنها را از بسیاری کالاهای مصرفی محروم می‌کند. برخی انحصارات نیز ناشی از اقدام‌های بعضی ارگان‌های دولتی است که با هدف ایجاد فرصت برای شرکت‌های زیرمجموعه صورت می‌گیرد، به عقیده کارشناسان نقطه عطفی در گسترش قاچاق کالا بوده است (نورمحمدی، ۱۳۸۱)

در شرایط فوق چنانچه انحصارگران اقتصادی به وجهی و جیه، فارغ از محدودیت‌های

۱. جدول یا نظام حقوق گمرکی یا درصد مالیات ثابتی است که دولت وضع و از کالاهای وارداتی و صادراتی اخذ می‌کند.
۲. امکانات مالی تحت اختیار حکومت.

دولتی و برخوردار از ارتباطات غیررسمی و تمهیدات قانونی به امر قاچاق اشتغال ورزند، نباید چندان عجیب باشد (صحرایان، ۱۳۸۳).

از دیگر پیامدهای قاچاق در اقتصاد رانتی، کاهش امنیت اقتصادی و متعاقب آن نزول سرمایه گذاری و در نتیجه پایین ماندن رشد اقتصادی^۱ است. در این فضا، قاچاق کالا نقش مسلط به خود می گیرد و منشاء آن سوء استفاده های علنی و ظاهراً قانونی فراهم آمده از موقعیت های خاص سیاسی یا اجتماعی و نیز دسترسی زود هنگام به اطلاعات مهم اقتصادی است (سزاوار، ۱۳۸۲: ۷).

در حال حاضر بخش عمده بازرگانی خارجی در اختیار دولت است. در این رابطه سهم منابع رانتی از کل درآمدهای عمومی دولت طی سال های ۷۶-۱۳۷۲ به ترتیب ۷۳/۲، ۶۶/۵ و ۵۲/۹ درصد بوده که از این طریق حدود ۱۲۰ هزار میلیارد ریال درآمدهای رانتی، عمدتاً عاید دولت شده است (عظیمی، ۱۳۷۹: ۳).

خلاصه آن که رابطه میان اقتصاد سایه ای (قاچاق) و مفساد اقتصادی (رانت خواری) محکم و پایدار است. بر این مبناست که قانونگذار با درک صحیح از اهمیت مسأله مبارزه با قاچاق و افزایش رانت خواری حاصل از آن، در فروردین ۱۳۸۵ دولت را مکلف کرد کلیه انحصاراتی که به موجب دستورالعمل ها، مقررات یا اعطای امتیاز تخصیص منابع ایجاد شده است لغو و اقدام قانونی برای جلوگیری از فعالیت های انحصارگرایانه ای که با تداوم قاچاق بر دامنه آن افزوده می شود، به عمل آورد.

۴. مشکلات پولی

شبکه قاچاق، بدون واسطه، بازار کشور را به سهل الوصول ترین بازار برای اجناس خارجی تبدیل کرده است. این شبکه، با ارزش چند میلیارد دلاری نیاز به تأمین مالی وسیع دارد، پس بخشی از نقدینگی کشور که در شرایط ایده آل می توانست در مبادلات رسمی یا فعالیت های

۱. توانایی استخراج مواد زیرزمینی، خلاقیت و استقلال نسبی در تولید و ایجاد رفاه کافی برای افراد کشور در زمینه انرژی، درآمد و دیگر نیازهای ضروری هماهنگ با افزایش درآمد ملی یا میزان تولید کالاها و خدمات در یک کشور.

اقتصادی سرمایه گذاری شود طبعاً صرف قاچاق خواهد شد (نورمحمدی: ۱۳۷۳).
قاچاق کالا آسیب‌هایی هم به جریان پولی کشور وارد می‌کند که از مهم‌ترین آنها خروج ارز از کشور و پول‌شویی است^۱. ورود پول‌های سیاه^۲ به عرصه اقتصاد و بازار، باروند طبیعی اجرای سیاست‌های مالی و پولی و سرمایه‌گذاری اصولی منافات دارد، ضمن اینکه به برنامه‌ریزی‌های اقتصادی دولت آسیب وارد می‌کند (موسوی، ۱۳۸۰: ۲۶).

به عقیده یکی از کارشناسان، ایران را بعد از سوئیس با ۱۱/۸ میلیارد دلار دومین محل پول‌شویی در جهان است. این مبلغ در خارج از مرزها به کالا تبدیل شده و به وسیله قاچاقچیان کالا و مواد مخدر به کشور وارد و به ریال تبدیل می‌شود سپس وارد صندوق‌های قرض الحسنه و موسسات مالی خارج از نظارت بانک مرکزی شده و از آنجا به بانک‌های رسمی منتقل می‌شود، بعد از آن توسط صرافی‌ها به ارز تبدیل یا از طریق گشایش اعتبار مجدداً از کشور خارج می‌شود. به‌طور اعم می‌توان گفت قاچاق کالا و مواد مخدر عمده‌ترین منابع درآمدی پول‌شویی در ایران است و مثلث پول‌شویی، قاچاق کالا و قاچاق مواد مخدر در پیوند ناگسستنی با یکدیگرند (صحرایان، ۱۳۸۴ و شمس‌الدینی، ۱۳۷۸: ۲۲۳).

نقدینگی بالا و تقاضا برای اوراق بهادار در جامعه را نمی‌توان بی ارتباط با درآمدهای حاصل از قاچاق و مقاصد پول‌شویانه دانست. پول کثیف و سیاه (www.Iraninstitute.com, ۳/۲/۲۰۰۴) به شکل آثار هنری، فلزات گرانبها یا اشیای عتیقه به طور غیررسمی از کشور خارج یا به آن وارد می‌شود. پول حاصل از فروش کالای قاچاق وقتی وارد بانک‌های کشور می‌شود، ظاهری قانونی پیدا می‌کند و پس از پاک شدن بدون پرداخت مالیات از آن خارج شده و به دارایی‌های ظاهراً مشروع تبدیل می‌شود، چرا که در نظام بانکی ما منشاء پول مورد سؤال نیست (گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳).

امروزه تعقیب جریانات پول‌شویی به دلیل جهانی شدن اقتصاد و کاهش کنترل‌ها در

۱. طبق قانون مبارزه با پول‌شویی اتحادیه اروپا (به جز سوئیس) مصوب ۱۹۹۱، احراز هویت مشتریان و گزارش داد و ستدهای بیش از ۱۵ هزار یورو الزامی است، همچنین امریکا که توقیف درآمد ناشی از ۱۷۶ نوع فعالیت غیرقانونی را حین ورود یا خروج از کشور تجویز می‌کند.
۲. پول‌های حاصل از قاچاق کالا، فرار مالیاتی و بازار زیرزمینی.

تجارت و بهره‌گیری از قاچاقچیان حرفه‌ای دشوار شده است. طبق آمارهای منتشر شده سالانه بیش از ۲/۸ تریلیون دلار در جهان، پول‌شویی می‌شود. البته برخی از کارشناسان اقتصادی بر این باورند که گاه پدیده قاچاق علاوه بر اینکه از پیامدهای پول‌شویی است، موجب آن هم می‌شود.

مهم‌ترین دغدغه عوامل مبارزه با قاچاق، پس از انجام شدن معاملات کلان غیرقانونی، مسأله پول‌شویی است؛ زیرا اگر بتوان در مهار و بی‌اثر کردن پدیده پول‌شویی موفقیتی بدست آورد در تحدید و کنترل قاچاق توفیقات بزرگتری حاصل خواهد شد. با خروج ارز از کشور به منظور واردات کالای قاچاق، تقاضای ارز در بازار غیررسمی افزایش می‌یابد و این افزایش اگر با محدودیت‌های ارزی همراه شود ارزش پول رایج کشور را بیش از پیش کاهش می‌دهد.

مورد دیگر که زاینده همین عامل است آنکه، بانک مرکزی از جریان داد و ستد و تقاضای واقعی ارز برکنار مانده و نقش انفعالی به خود می‌گیرد. کما اینکه در برخی از سال‌های گذشته بانک مرکزی در بازار ارز عملاً دنباله‌رو بود و سرنوشت نرخ ارز را در حقیقت قاچاق تعیین کرده است.^۱ (بشارتی، ۱۲: ۱۳۷۷) با پیشرفت بازار قاچاق کالا و تقویت بازار قاچاق ارز به تدریج نظام ارزی کشور ناچار می‌شود به دنبال نرخ‌های بازار قاچاق کشیده شود. (چینی، ۱۳۷۷: ۱۷).

با افزایش مبادلات غیرقانونی به دور از نظارت‌های دولتی و افزایش تقاضا برای ارز و پول نقد برای اجرای این کار، به پول ملی فشار وارد و سلامت و انضباط آن را کم می‌کند و تورم زاست، تورم نیز به نوبه خود گاه به کاهش سرمایه‌گذاری و اشتغال می‌انجامد و نوع مزمن آن سبب بی‌اثر شدن سیاست‌های انبساطی در افزایش تولید و اشتغال و نهایتاً رشد اقتصادی می‌شود (نیک پور، ۱۳۷۵: ۲۰۹). هرچند عده‌ای، پذیرش این مطلب را به دلایل متقن علمی استوار می‌کنند.

۵. لطمه به آمارهای اقتصادی

قاچاق کالا در مواردی می‌تواند شفافیت اطلاعات و آمارهای اقتصادی را از بین ببرد و صحت آن را مورد تردید قرار دهد؛ به گونه‌ای که دیگر نتوان معرف اقتصاد واقعی کشور فرض کرد (میرمحمدی، ۱۳۸۲: ۳۹)

قاچاق کالا صحت برنامه ریزی را هم زیر سؤال می‌برد. در برنامه‌ریزیها و تصمیم‌گیریهای اقتصادی و اجتماعی فرض بر این است که نشانه‌های دریافتی از شبکه اطلاعاتی درست است و شاخص‌های موجود پوشش کاملی از جامعه مورد مطالعه و تبلور واقعی شرایط اقتصادی و اجتماعی است، اما فعالیت‌های قاچاق گاهی می‌تواند از این دقت بکاهد و تصمیمات را خدشه دار کند (حقی، ۱۳۷۷: ۱۲).

۶. سوق دادن تجارت رسمی به سمت قاچاق

با روند فزاینده و تدریجی اقتصاد زیرزمینی^۱ در کشور، تلاش‌هایی در جهت اندازه‌گیری آن از سوی پژوهشگران طی ۱۵ سال گذشته صورت گرفته است (اسفندیاری و...، ۱۳۸۱: ۲۰) میانگین برآوردها نسبت حجم اقتصاد زیرزمینی به اقتصاد رسمی (تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری شده) از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۷، ۴۶ درصد محاسبه شده است.

روند فوق در شرایطی است که مالیات مورد نیاز دولت، حقوق و عوارض متعدد همراه با بوروکراسی^۲ اداری و محدودیت‌های فراوان بازرگانی به دوش بخش رسمی است، اما فعالیت قاچاق متحمل چنین مشکلاتی نیست؛ لذا گرایش از تجارت رسمی به قاچاق بیشتر می‌شود. البته این به معنای آن نیست که همان کسانی که در تجارت رسمی اشتغال دارند وارد بخش غیررسمی می‌شوند بلکه بدان معناست که تجارت رسمی کم‌کم تضعیف یا حذف و فعالیت‌های سوداگرانه، پاسخگوی نیاز داخل می‌شود. (نورمحمدی: ۲۷۹)

۱. فعالیت‌های غیر مجاز و غیر رسمی اقتصادی که خارج از چارچوب مشخص شده اقتصاد رسمی برای به دست آوردن درآمد بیشتر انجام می‌شود اما از مالیات معاف است و در تولید ناخالص ملی (حساب‌های ملی) منظور نمی‌شود؛ مترادف اقتصاد سایه‌ای و اقتصاد پنهانی
۲. حکومت ادارات و مأموران دولت یا قدرت و نفوذ رؤسا و کارکنان دیوانی حکومت. بورو به معنی اداره و کراسی به معنی حکومت است که در مجموع به حکومت کارمندان به شکلی منسجم و قانونمند اطلاق می‌شود.

۷. تضعیف و کاهش تولید داخل

حیات اقتصادی هر کشور وابسته به تولید بوده و تولید مهم ترین عامل پویایی سرمایه‌های مالی و انسانی است. زیرا تولید به اندازه‌ای در رشد مؤلفه‌های ارزشی و اجتماعی مؤثر است که اگر سطح آن پایین باشد توسعه این مؤلفه‌ها به خطر خواهد افتاد (نوری، ۱۳۸۳: ۳۲).

قاچاق و دامپینگ^۱ داخلی، سبب اختلال و گسیختگی در نظم و برنامه ریزی‌های تولیدی شده و هزینه‌های جانبی را افزایش می‌دهد (نورمحمدی، ۱۳۸۱: ۲۸۴).

به اعتقاد بعضی کارشناسان حدود یک سوم نیروی کار کشور در بخش اقتصاد زیرزمینی متمرکز است که از این مقدار بیش از ۵۰ درصد را قاچاق تشکیل می‌دهد. به ازای هر ۴ میلیارد دلار کالای قاچاق در سال ۸ درصد تولیدات داخل دچار افت می‌شود، برای اینکه قاچاق، بزرگتر شدن بخش خدمات و کوچکتر شدن تولید و حتی سقوط واحدهای تولیدی را تسهیل می‌کند (محمدی، ۱۳۸۰: ۶).

کاهش تولید داخلی ناشی از قاچاق سبب کم شدن رقابت پذیری می‌شود و کشوری که رقابت پذیری در آن کم باشد سهمش از کل صادرات اجناس کم، و به واردات اضافه می‌شود. کاهش اشتغال در بخش تولید با افزایش جذب نیروی کار در بخش‌های دیگر اقتصادی غیر قابل جبران است. با کاهش بهره‌وری و تنزل اقتصادی، تراز پرداخت‌ها^۲ رو به وخامت می‌گذارد و عقب ماندگی صنعتی نسبت به رقبا و باز ماندن از توسعه در معیارهای جهانی اتفاق می‌افتد. (هیوت، ۱۳۷۷: ۵۳) و در نتیجه، پیوستن کشور به سازمان تجارت جهانی با تأخیر مواجه می‌شود؛ چرا که لازمه ورود به این سازمان افزایش کیفیت و رقابت پذیری کالاهای تولیدی در مقایسه با اجناس مشابه خارجی و رفع موانع تولید است. بنابراین چنانچه با قاچاق که مانع سودآور شدن تولید داخلی است، مقابله اساسی نشود پیوستن دائم به سازمان مذکور نیز

۱. Dump، پر کردن یک بازار با کالایی به قیمت زیر نرخ متعارف با هدف خارج کردن رقبا از صحنه. در دامپینگ خارجی، کشورهای صنعتی از طریق صادرات محصولات با قیمت نازل تر به کشورهای توسعه نیافته، صنایع کوچک آن کشورها را در معرض خطر قرار می‌دهند.

۲. مجموعه معاملات اقتصادی در یک دوره معین بین یک کشور و بقیه جهان که به‌طور سیستماتیک ثبت می‌شود.

دشوارتر خواهد شد (بهکیش، ۱۳۸۴).

گزارش‌ها و آمارهای ارائه شده از سوی بنگاه‌های اقتصادی اعم از صنعتی و کشاورزی نشان دهنده کاهش تولید در برخی از محصولات داخلی مانند پوشاک و منسوجات، دخانیات، لوازم خانگی، لوازم آرایشی آهن آلات، رایانه و متعلقات، کاشی و سرامیک، لوستر و لامپ، مبیل، کفش، اسباب بازی، چای، دارو و شیر خشک، وسایل صوتی و تصویری و... به موازات افزایش واردات اجناس مشابه از طریق قاچاق است.

۸. کندکردن توسعه مناطق مرزی

مبادلات مرزی نتوانسته است مناطق مرزی را به توسعه مطلوب رهنمون کند. با اینکه در گذشته بسیاری از نواحی مرزی کشور از امکانات و اقلیم مناسب زندگی برخوردار نبوده‌اند اما بخشی از این مشکلات هنوز به قوت خود باقی است، تا اندازه‌ای که در مهاجرت مرزنشینان به برخی کشورهای همجوار یا رشد قاچاق کالا به‌رغم همه تمهیدات دولتی - از جمله مزایای قانونی مبادلات مرزی، رساندن کالای دولتی به دست مردم و تلاش در جهت بهبود معیشت آنان - بی تأثیر نبوده است (نورمحمدی، ۱۳۷۳: ۱۱۶ - ۱۱۵).

هم اکنون بخشی از اعتباراتی که می‌تواند صرف عمران مرزها شود، عملاً صرف مبارزه با قاچاق می‌شود. رواج و سوددهی قاچاق در نواحی مرزی می‌تواند فعالیت‌های مفید و مقرون به صرفه صنعتی و کشاورزی را تحت الشعاع قرار دهد و به عدم استقبال بکشانند و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را در توسعه این مناطق دچار تردید کند، ضمن اینکه انگیزه سرمایه‌گذاری را در این مناطق - به لحاظ دوری از بازار فروش و فقدان ساختار اقتصادی^۱ مطلوب - کاهش دهد.

۹. کاهش درآمدهای دولت

اگر سالانه فقط ۲۶۸۵ میلیون دلار کالای قاچاق به کشور وارد شود میزان درآمدی که

۱. سیستم تولید، مناسبات و روابط درونی که بین اجزای یک مجموعه اقتصادی شامل مردم و بخش‌های اقتصادی برقرار است.

دولت به علت ورود کالا از طریق مبادی غیررسمی از دست می‌دهد معادل ۴۲۹۶ میلیارد ریال خواهد شد. این رقم، یعنی ۹۲ درصد درآمد گمرک در سال ۱۳۷۹ که ۴۶۸۲ میلیارد ریال بوده است (عظیمی، پیشین: ۲۲).

در شرایطی که دولت برای تأمین هزینه‌های خود با کسری درآمد روبروست، از دریافت سود بازرگانی^۱ و عوارض گمرکی^۲ به عنوان درآمدهای قابل حصول محروم و به کمبود بودجه گرفتار می‌شود زیرا به جای اینکه این درآمدها وارد خزانه شده و صرف تولید کالاهای مشابه و رقیب شود به جیب واسطه‌ها و طرف‌های خارجی می‌رود.

برآوردها نشان می‌دهد به ازای هر یک میلیارد دلار کالای قاچاق وارداتی حداقل ۱۰۰۰ میلیارد ریال درآمد گمرکی دولت وصول نمی‌شود (رفعتی، ۱۳۷۷، ص ۵۸). برآورد دیگری نشان می‌دهد به ازای هر ۴ میلیارد دلار قاچاق کالا، مبلغی حدود ۲۰ تریلیون و ۵۰۰ میلیارد ریال وجه کمتر به صندوق دولت واریز می‌شود (نورمحمدی، ۱۳۸۳: ۲۸۳).

همچنین برآورد میزان خسارت وارد به صندوق دولت در سال ۱۳۸۰ برای تعداد ۷ قلم کالای کثیرالقاچاق شامل تلویزیون، پارچه، قطعات رایانه، لوازم بهداشتی و آرایشی، لوازم یدکی خودرو، موز، گوشی تلفن همراه و سیگار بدون محاسبه مالیات بالغ بر ۱۰ هزار و ۳۱۰ میلیارد ریال بوده است (معاونت طرح و برنامه گمرک، پیشین: ۵۴).

منبع مهم دیگر برای تأمین درآمد دولت، جمع‌آوری مالیات است. قاچاق و اقتصاد سیاه مانع دولت در ایجاد درآمد کافی از طریق مالیات می‌شود، زیرا فرار مالیاتی در قاچاق آثار اقتصادی خود را بر روی بودجه و دیگر متغیرهای اقتصادی مانند نرخ تورم و اشتغال می‌گذارد (محمدی، ۱۳۷۷). و درآمدی که از تولید و مصرف کالا در بازار رسمی می‌توانست عاید خود کند در بازار مخفی قاچاق، پنهان می‌ماند و به صندوق دولت واریز نمی‌شود. از دیگر تبعات منفی کاهش درآمدهای مالیاتی اختلال در سیاست‌های حمایتی دولت از افراد آسیب‌پذیر و تولیدات داخلی و افزایش فشار مالیاتی به بخش رسمی اقتصاد و حقوق بگیران است. (همدمی

۱. نوعی مالیات غیرمستقیم است که براساس قانون از کالای مصرفی وارداتی دریافت می‌شود.

۲. حقوقی که طبق تعرفه گمرکی وضع شده است و هنگام ورود یا خروج اجناس از قلمرو گمرکی به آنها تعلق می‌گیرد و از واردکننده یا صادرکننده اخذ می‌شود.

خطبه سرا (۱۳۸۳: ۲۰۱) همچنین اجبار دولت را به استقراض خارجی در شرایطی خاص سبب می‌شود (ارشدی، ۱۳۷۷: ۱۹) و بالاخره قاچاق کالا حق مالیات بندی و توان مالیات ستانی دولت رابه عنوان یکی از مولفه‌های حاکمیت اقتصادی خود تحت تاثیر قرار می‌دهد.

۱۰. صدمه به اشتغال

در اقتصادهای رسمی کاهش نرخ اشتغال بیان کننده قوت گرفتن اقتصاد زیرزمینی است. هم اکنون سالانه به یک میلیون شغل احتیاج است (امین صارمی، ۷۸: ۹). با تداوم وضع موجود سالانه ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار نفر به جمعیت بیکار کشور اضافه خواهد شد. در این سال‌ها کیفیت اشتغال نیز مطلوب نبوده و به سمت بخش خدمات گرایش داشته است. تمرکز بر بخش خدمات، خودسرآغاز مشکلات متنوعی همچون تورم ساختاری - که هم علت و هم معلول فعالیت‌های واسطه‌گری و قاچاق در اقتصاد است - خواهد شد (غروی نخجوانی، ۱۳۸۱: ۱۸۰-۱۷۳).

اگر نرخ بیکاری بالا باشد شکاف فقیر و غنی بیشتر می‌شود و احتمال سرخوردگی، نارضایتی، احساس محرومیت نسبی و بی‌عدالتی که زمینه ساز بحران مشروعیت است نیز تقویت می‌شود (افروغ، ۱۳۸۳: ۳۸).

در مورد آثار قاچاق بر افزایش بیکاری باید گفت طبق محاسبات انجام شده - که به تأیید ستاد مبارزه با قاچاق نیز رسیده است - به ازای هر یک میلیارد دلار کالای قاچاق وارداتی، ۱۰۰ هزار فرصت شغلی از دست می‌رود، به عبارت دیگر با این مبلغ می‌توان سالانه ۱۰۰ هزار فرصت شغلی ایجاد کرد (خداوردی، ۱۳۸۳: ۱۳۲) که با احتساب سالانه حداقل ۶ میلیارد دلار قاچاق، این امکان به ۶۰۰ هزار شغل می‌رسد. اگر تنها، قاچاق کالای همراه مسافر از مبادی قانونی صورت نمی‌گرفت دولت می‌توانست سالانه صدها هزار فرصت شغلی ایجاد کند (نهادن‌دیان، ۱۳۷۷: ۱۶). برای مثال، اشتغال در زمینه تولید کفش به واسطه ورود کفش‌های قاچاق به کشور طی سال‌های اخیر با کاهش روبرو بوده است. متوسط شاغلان در این بخش ۴۶۲۲۴ نفر در سال ۱۳۷۵ بوده که به ترتیب در سال‌های ۷۸ و ۸۰ به ۱۶۵۲۵ و ۱۲۸۳۰ نفر

کاهش یافته است (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا، ۱۴/۲/۹:۸۴). پیش بینی می‌شود این بحران در انتظار ۵۰۰ هزار نفر کارگر صنایع نساجی کشور هم باشد (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا، ۱۳/۲/۸۵:۱۵ و همچنین اظهارات رئیس این ستاد در همایش ملی مبارزه با قاچاق کالا ۱۳۸۵/۲/۲۶، مطبوعات داخلی).

۱۱. تهدید امنیت سرمایه گذاری

سرمایه شامل امکانات و ابزار تولید است که می‌تواند موجب ایجاد درآمدی جدید در دوره‌های بعدی شود (کاتوزیان، ۱۳۵۸:۱۴۷).

سرمایه از مهم‌ترین نهاده‌های تولید است و ماهیتی گریزان و تهدیدپذیر دارد. امنیت سرمایه‌گذاری از مهم‌ترین ابعاد امنیت اقتصادی^۱ هر کشور است. کشور ما از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۵ تنها ۱۱/۲ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کرده حال آنکه طی سه سال گذشته کشورهای کره جنوبی، ترکیه و امارات به ترتیب ۲۷، ۶ و ۲۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی داشته‌اند (میرزایی، ۱۴/۲/۸۵:۱).

طی نظرسنجی که چندسال پیش در مورد بازدارنده‌های جذب سرمایه گذاری خارجی و مشکلات مناطق آزاد تجاری ایران انجام شده شاخص «نبود امنیت اقتصادی» با ۴۰/۶ درصد رتبه نخست را به خود اختصاص داده است (زارع شاهی، ۱۳۷۹:۲۲۷).

انگیزه و اشتیاق سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذار در امور تولیدی با سودآوری قاچاق کاهش می‌یابد، زیرا قاچاق در فرصت کوتاه سود سرشاری نصیب قاچاقچی می‌کند که با سود حاصل از سرمایه‌گذاری مولد بسیار متفاوت است. از این زاویه قاچاق کالا می‌تواند سرمایه‌گذاری‌ها را از کانال اصلی منحرف کند. ضمن اینکه در انصراف سرمایه‌گذار از سرمایه‌گذاری در تولید محصولاتی که به صورت قاچاق هم وارد می‌شود نقش اساسی دارد (نورمحمدی: ۲۸۱).

معمولاً سرمایه‌گذاری مولد در چارچوب اقتصاد رسمی در کوتاه مدت به بازدهی مطلوب

۱. توان تأمین زندگی و امکان برخورداری افراد از نتایج مادی تلاش‌های اقتصادی خود.

نمی رسد اما در بخش قاچاق این سوددهی زودتر امکان پذیر می شود، که تورم زاست و امنیت خاطر را از سرمایه گذار مولد سلب می کند و در نگاهی کلی به پیشرفت اقتصادی شوک منفی وارد می سازد.

دلایلی چون ورود و خروج کالا از مبادی غیررسمی و عدم احساس امنیت اقتصادی می تواند انگیزه سرمایه گذاری را کاهش داده و به تبع آن انگیزه قاچاق محصولات خارجی را افزایش دهد. یکی از مهم ترین ابزارهای موجود در دست دولت به منظور حمایت از سرمایه گذاری داخلی، اعمال تعرفه های مؤثر است که قاچاق با عدم پرداخت این تعرفه ها، در واقع چتر حمایتی را از سرمایه گذاری برمی دارد، توان رقابتی محصولات داخلی را با اجناس مشابه خارجی کاهش می دهد و سود سرمایه گذاری را پایین می آورد (بهرامی و...، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

برای مثال، ایران یکی از بزرگترین مصرف کنندگان پارچه چادر مشکی است که به علت عدم سرمایه گذاری لازم در کشور، قسمت عمده نیاز داخلی از کشورهای آسیای شرقی به صورت قاچاق یا رسمی وارد می شود، در حالی که با سرمایه گذاری حدود ۵۰ میلیون دلاری در این بخش، امکان تولید ۲۵ میلیون متر مربع از این محصول در سال و صرفه جویی صدها میلیون دلار وجود دارد^۱ (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا، ۱۹/۹/۸۴: ۱۱).

افزایش حجم سرمایه گذاریهای داخلی با تأمین امنیت اقتصادی رابطه مستقیم دارد و برای آنکه سرمایه های کشور جذب محیط های خارجی نشود (یا اصطلاحاً فرار نکند) باید محیط مطلوب تر و بهتر داخلی فراهم شود (کرباسیان، ۱۳۷۳: ۵۳). پدیده فرار سرمایه از دیگر نتایج قاچاق در سطح وسیع است. ریسک های اقتصادی مانند مشخص نبودن قوانین مالکیت خصوصی، تحریم های اقتصادی یا قاچاق کالای می تواند به فرار سرمایه از کشور بینجامد (سزاوار، پیشین: ۱۱۵). این اقدام گاهی هم به دلیل کاهش ارزش پول ملی یا فقدان ثبات سیاسی و اقتصادی صورت می گیرد. در مجموع بر اساس آمارهای غیررسمی سالانه ۳ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج می شود که کشور امارات از جذب کننده های اصلی آن

۱. البته اقدامات اصلاحی مناسبی در این زمینه شروع شده است.

است (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا، ۸۴/۹/۲۸، شماره ۵۶).

بنابراین بازار مصرف مستمر، سودآوری مناسب، اعطای تضمینات کافی، آزادی ورود و خروج سرمایه و سود، معافیت‌های مالیاتی و گمرکی، حمایت‌های تعرفه‌ای و دولتی، ثبات سیاسی و اقتصادی، محیط کسب و کار مساعد، سیاست‌ها و قوانین شفاف، تقلیل تشریفات، خدمات عادلانه بین بخش‌های دولتی و خصوصی، مقابله بی‌امان با قاچاق و در یک کلام برقراری امنیت اقتصادی از جمله ضروریات جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و لازمه تأمین امنیت آنها در یک فضای بی‌خطر و مطلوب است که می‌تواند مقدمه‌ای برای استقرار و تحکیم امنیت در دیگر ابعاد سیاسی و اجتماعی نیز باشد.

بی‌رمق بودن بخش خصوصی، ضعف سیاست‌گذاری‌ها و برنامه ریزهای اقتصادی، بی‌توجهی به موازنه عرضه و تقاضا، بالا بودن هزینه‌های تولید و پایین بودن کیفیت محصولات داخلی، ساختارها و سیاست‌های اقتصادی نامناسب، بالا بودن تعرفه‌ها و مالیات‌ها، وضع تولید داخل و خارج، ممنوعیت‌ها و مقررات محدودکننده دولتی، فساد اداری و بوروکراسی و... از جمله عوامل موثر بر کندی سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و در نتیجه کاهش امنیت در این زمینه است.

نتیجه و پیشنهاد

اغلب کشورهای جهان، صرفاً آنچه را ما کالای ممنوع می‌دانیم - نظیر مواد مخدر و اسلحه - قاچاق می‌شناسند اما در ایران کالای ممنوع فقط بخشی از قاچاق قلمداد می‌شود. بر اساس نظامات اقتصادی و قضائی، کالاهای گمرکی و غیرقانونی با طیفی وسیع نیز به آنها اضافه می‌شود. بنابراین متناسب با این وسعت و تنوع، پیامدهای آن می‌تواند در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بروز و ظهور یابد.

هر چند به لحاظ چند وجهی بودن پدیده قاچاق کالا، تأثیرات منفی آن نیز چند جانبه است اما وخیم‌ترین عوارض این بیماری به اقتصاد کشور باز می‌گردد. به طور کلی فعالیت‌های قاچاق بر جریان تولید و اشتغال و ساختارهای آن اثرگذار است و می‌تواند موجب تشکیل یک طبقه کوچک، ولی ثروتمند شود. این طبقه قادر است سیاست‌ها و اهداف دولت را در توزیع

عادلانه دارایی، دچار مشکل سازد و در مواردی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی را دستخوش تغییر کند.

در این مقاله مشخص شد تهدیدهای اقتصادی شکننده تر از همیشه خودنمایی می‌کند و در مواردی زمینه ساز بروز دیگر تهدیدها به شمار می‌رود. در کشور ما که اجرای استراتژی توسعه اقتصادی و تحقق سند چشم انداز ۲۰ ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اهدافی حیاتی قلمداد می‌شود، "قاچاق کالا" می‌تواند به عنوان یک تهدید تمام عیار اقتصادی نظام موجود را از دستیابی به این اهداف باز داشته و قدرت اقتصادی به ضعف بکشد.

دیدیم که "قاچاق" با مقیاس وسیع قادر است رشد اقتصادی را کند سازد، احساس عدم امنیت اقتصادی را به وجود آورد، هزینه‌های پنهان را افزایش دهد، گردش پول و کالا را آشفته سازد و عوارض زیان باری بر نظام اقتصادی تحمیل کند.

همچنین نشان داده شد، مسأله "قاچاق" در ایراد صدمات گوناگون به کشور از جمله: رکود صنایع و تولیدات داخلی، کاهش درآمدهای دولت، تضعیف امنیت سرمایه گذاری، کاهش اشتغال و اخلال در سیاست‌های بازرگانی به عنوان پیامدهای اولیه، توانایی خود را به ظهور رسانده است.

شایان ذکر است نگاه انتزاعی و پلیسی برای درمان ریشه‌ای این بیماری به تنهایی کافی نیست و اراده ملی و تلاش مشترک همه اجزا و ارکان نظام را می‌طلبد و لزوم استفاده از رویکردهای واقع‌گرایانه اقتصادی را گوشزد می‌کند. "قاچاق کالا" تهدیدی است که بیشتر به امنیت اقتصادی توجه دارد. پس سزاوار است ابزار و روش‌های مواجهه، در وهله اول از جنس تهدید بوده و عالمانه به دنبال رفع همه عوامل بوجود آورنده آن باشد. براین اساس، بررسی پیشنهادهای کلی زیر می‌تواند راهکارهایی برای مقابله با این معضل عرضه کند:

- حمایت موثر و سازنده از تولیدات داخل و حمایت از واردات قانونی.
- افزایش ظرفیت‌های تولیدی با اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی.
- کاهش قیمت‌ها از طریق پایین آوردن هزینه‌های نهایی تولید و جانشین کردن محصولات داخلی به جای واردات.

- ساماندهی و نظارت بر مناطق آزاد تجاری و بازارچه‌های مرزی .
 - طراحی نظام کنترل گردش پول و کالا به منظور به حداقل رساندن سوء استفاده‌های قانونی و مالی و حذف زمینه‌های رانت جویانه.
 - اعمال تدابیر ضد دامپینگ و مبارزه با پول‌شویی.
 - گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای اسلامی و به خصوص همجوار.
 - افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق مستعد.
 - اصلاح نظام مالیاتی، کاهش موانع غیر تعرفه‌ای و حذف انحصارات به منظور ایجاد فضای رقابتی و جلوگیری از رکود صنایع داخلی.
 - تشدید مجازات‌های بازدارنده و افزایش ریسک قاچاق.
 - کوشش ملی در جهت تحقق استراتژی توسعه صنعتی^۱، هماهنگ کردن همه سیاست‌ها بر پایه آزادسازی اقتصاد و اصلاح جهات استراتژیک مبتنی بر الزامات سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور.
 - افزایش تنوع، استاندارد و کیفیت محصولات داخلی با هدف جانشین کردن این محصولات به جای واردات (پیاده‌سازی استراتژی جایگزینی واردات).
 - تولید کالاهای موردنیاز و غیررقابتی خارجی در داخل تحت نظارت و پشتیبانی کشورهای سازنده برای جلوگیری از واردات غیرقانونی.
 - تلاش جدی در جهت تأمین سلامت اقتصادی به منظور افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق مستعد و متمرکز بر آن دسته از فعالیت‌هایی که بالاترین کیفیت و میزان محصول را داراست (اصل مزیت نسبی).
 - کاهش گرایش به قاچاق، با بررسی امکان تبدیل برخی از کالاهای ممنوع (غیرقانونی) و مشروط به کالاهای مجاز وارداتی با تعرفه‌های متعادل.
 - استفاده از تجربیات و مدل‌های موفق بازرگانی و صنعتی سایر کشورها و تلاش برای الحاق تدریجی و معقول به سازمان تجارت جهانی.
۱. استراتژی توسعه صنعتی در مرداد ۱۳۸۵ به وزارت صنایع و معادن ابلاغ شده است. شاید بنیادی‌ترین علت بوجود آمدن پدیده‌ای به نام «قاچاق»، توسعه نیافتگی باشد.

فهرست منابع

۱. اسفندیاری، علی اصغر و جمال منش، آرش (۱۳۸۱) اقتصاد زیرزمینی و تأثیر آن بر اقتصاد ملی، پژوهشکده اقتصادی (پژوهشکده اقتصادی وزارت اقتصاد) سال دوم، شماره ۳.
۲. افروغ، عماد (۱۳۸۳) شورش های شهری و امنیت داخلی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. ارشدی، علی (۱۳۷۷) اثر سرمایه گذاری بر رشد اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی.
۴. امین صارمی، نوذر (۱۳۷۸) تحلیل جامعه شناختی از تأثیرات بیکاری بر امنیت ملی، مجله دانش انتظامی، شماره ۴ و ۳.
۵. بهرامی، محسن و قاسمی، بهروز (۱۳۸۵) آسیب شناسی قاچاق کالا در ایران، فارابی.
۶. بشارتی، م (۱۳۷۷) قاچاق کالا آفت اقتصاد ملی، روزنامه همشهری، مورخه ۲۱ اردیبهشت
۷. بررسی ابعاد قاچاق کالا و ارائه راهکارها با تأکید بر نقش گمرک (۱۳۸۳)، گمرک ج.ا. ایران.
۸. بهکیش، محمدعلی (۱۳۸۴) رقابت شرط ورود به تجارت جهانی، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا، نشریه داخلی، شماره ۶۷، مورخه ۱۶ اسفند.
۹. پورزند، سعید (۱۳۸۳)، «تشدید خطر فقر و درآمدهای نا عادلانه»، روزنامه ایران، سال دهم شماره ۲۸۷۳، مورخه ۱۶ اسفند.
۱۰. توازن اقتصادی از دیدگاه اسلام و عملکرد اقتصادی ایران (۱۳۸۲) دانشگاه تربیت مدرس، مجموعه مقالات همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی.
۱۱. چینی، حبیب (۱۳۷۷) قاچاق آفت ملی، نشریه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، شماره ۱۰.
۱۲. حقی، محمدعلی (۱۳۷۷) قاچاق کالا آفت اقتصاد ملی، روزنامه همشهری، مورخه ۲۱ اردیبهشت.

۱۳. خانی، علیرضا (۱۳۸۴) چالش‌های اقتصادی دولت، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال ۱۹، شماره ۲۱۴-۲۱۳.
۱۴. خضری، محمد (۱۳۸۱) رانت خواری و هزینه‌های اجتماعی - اقتصادی رانتی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. خداوردی، علی (۱۳۸۳) قاچاق کالا، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، نشریه نگرشی به تحولات سیاسی.
۱۶. داداش زاده، نوروز (۱۳۶۹) بررسی ریشه‌های فقر و آثار آن در ایران، دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۱۷. رفعتی، محمدرضا (آبان ۱۳۷۷) قاچاق کالا، نشریه بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۳۵.
۱۸. رازینی، ابراهیم علی، (۱۳۷۸) روش‌های منطقی کردن تعرفه‌ها در اقتصاد ایران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۱۹. زارع شاهی، احمدعلی (۱۳۷۹) بی‌ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی و تأثیر آن بر عوامل تولید در ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال سوم شماره ۱ و ۲.
۲۰. سالواتوره، دومینیک (۱۳۷۴)، تئوری و مسائل اقتصاد بین الملل، ترجمه هدایت ایران پرور و حسن گلریز، نشر نی.
۲۱. سزاوار، محمد (۱۳۸۲) دلایل کاهش امنیت اقتصادی در ایران، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲۲. ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۸۵-۱۳۸۴) نشریه داخلی، شماره ۵۴.
۲۳. صحراییان، مهدی (۱۳۸۳)، کارشناس ارشد اقتصادی در مصاحبه با خبرنگار روزنامه آفتاب یزد، مورخه ۱۴ اردیبهشت.
۲۴. صحراییان، مهدی (۱۳۸۴) ایران نایب قهرمان پول‌شویی جهان، روزنامه اعتماد مورخه ۱۳ اردیبهشت.
۲۵. شهباز شمس‌الدینی (۱۳۷۸) بررسی پدیده قاچاق کالا و آثار اقتصادی آن، پژوهشکده

- اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، مجموعه مقالات همایش ملی قاچاق کالا.
۲۶. صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۲) تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۲۷. عظیمی، حسین (۱۳۷۹) راه‌های سنتی راهگشا نخواهد بود، نشریه بهاء.
۲۸. غروی نخجوانی، سید احمد (۱۳۸۱) بحران بیکاری در ایران، پژوهشکده امور اقتصادی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال دوم شماره سوم.
۲۹. کرباسیان، علی اکبر (۱۳۷۳) حلقه مفقوده امنیت اقتصادی، نشریه گزارش، تیرماه شماره ۶۵.
۳۰. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۵۸) آدام اسمیت و ثروت ملل، انتشارات حبیبی.
۳۱. بررسی ابعاد قاچاق کالا و ارائه راهکارها با تأکید بر نقش گمرک، گمرک جمهوری اسلامی ایران.
۳۲. میرزایی، مریم (۱۳۸۵) ۱۱ میلیارد دلار در ۱۳ سال، روزنامه سرمایه، شماره ۱۶۷ مورخه ۲/۱۴.
۳۳. محمدی، افشین (۱۳۷۷) برآورد آثار اقتصادی فرار از مالیات در ایران، دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۳۴. میرمحمدی، سید محمد (۱۳۸۲) تأثیر متقابل امنیت اقتصادی و اقتصاد زیرزمینی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۳۴. موسوی، محمد (۱۳۸۰) تطهیر درآمدهای ناشی از جرم، دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا.
۳۶. (۱۳۸۱)، بررسی پدیده قاچاق کالا و راهکارهایی برای مبارزه با آن، معاونت طرح و برنامه گمرک.
۳۷. مقدسی، علیرضا (۱۳۸۰) بررسی ابعاد قاچاق کالا و ارائه راهکارهایی جهت هدایت آن به مسیرهای اقتصادی کشور، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۳۸. محمدی، امیر (۱۳۸۰) آثار زیان بار تجارت زیرزمینی بر اقتصاد ملی، روزنامه

- سیاست روزمورخه ۳/۲۶.
۳۹. نجفی ایرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۲)، *بزهکاری و شرایط اقتصادی*، انتشارات قوه قضاییه.
۴۰. نیک پور، مرجانه (۱۳۷۵)، *بررسی پدیده رکود تورمی و عوامل ایجاد آن با توجه به ویژه اقتصاد ایران*، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۴۱. نوری جعفر (۱۳۸۳)، *پیامدهای اقتصادی و راهکارهای کنترل پدیده قاچاق*، تعزیرات حکومتی.
۴۲. نورمحمدی، خسرو (۱۳۷۳)، *جنبه‌های اقتصادی مبادلات مرزی*، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۴۳. نورمحمدی، خسرو (۱۳۸۱)، *بررسی قاچاق کالا و راهکارهای هدایت فعالیت‌های قاچاق به مسیرهای قانونی و رسمی*، معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۴۴. نهاوندیان، محمد (۱۳۷۷) *آثار قاچاق در اقتصاد کشور*، نشریه گام چهارم، شماره اول.
۴۵. نهاوندیان، محمد (۱۳۷۷) *قاچاق کالا*، نشریه بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۳۵.
۴۶. همدی خطبه‌سرا، ابوالفضل (۱۳۸۳) *فساد مالی*، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۷. هیوت، تام و دیگران (۱۳۷۷) *صنعتی شدن و توسعه*، ترجمه طاهره قادری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

48. www.Iraninstitute.com , 2004/2/3.